

# ابیاتی نویافته از برخی شاعران کهن در رسائل العشاق و وسائل المشتاق

علی کاملی

| ۲۲۷-۲۳۸ |

New Verses from Some Old Poets in Rasāil al-'Ushāq wa Vasāil al-Mushtāq  
Ali Kamli

**Abstract:** Occasionally, valuable manuscripts are found in different world libraries, after which important information is added to Persian literature. One of these sources is the newly found manuscript of Rasāil al-'Ushāq. Rasāil al-'Ushāq wa Vasāil al-Mushtāq is the name of a work written by Saifi Neishābūrī, a poet and writer of the 6th century of Hijri, with the subject of correspondence and letter writing, including over a hundred romantic letters. This honorable source, with the title of Rasāil, contains verses from several ancient poets up to the 6th century, some of which are not found in poets' Divans and other literary books and are considered new finds. In this article, we have tried to present new poems from some ancient poets based on this source.

**Keywords:** Rasāil al-'Ushāq wa Vasāil al-Mushtāq, Newly Found Verses, Old Poets, 6th Century

چکیده: گه‌گاه نسخه‌ی خطی ارزشمندی از گوشه و کنار کتابخانه‌های جهان بیرون کشیده می‌شود که مقادیر مهمی اطلاعات به ادبیات فارسی اضافه می‌کند. یکی از این منابع، نسخه‌ی نویافته‌ی رسائل العشاق است. رسائل العشاق و وسائل المشتاق نام تألیفی از سیفی نیشابوری شاعر و ادیب قرن ششم هجری با موضوع مکاتبه و نامه نگاری شامل صدنامه‌ی عاشقانه است. این منبع ارجمند، ذیل رسائل، شامل ابیاتی چند از شاعران کهن تا قرن ششم است که برخی از این ابیات در دواوین شاعران و دیگر کتب ادبی یافت نمی‌شود و تازه‌یاب است. در این مقاله کوشیده‌ایم تا اشعار نویافته‌ای از چند شاعر کهن را بر اساس این منبع ارائه دهیم.

کلیدواژه: رسائل العشاق و وسائل المشتاق، ابیات نویافته، شاعران کهن، قرن ششم



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

رسائل العشاق و وسائل المشتاق، عنوان کتابی از سیفی نیشابوری شاعر قرن ششم هجری، شامل صد نامه عاشقانه است. سیفی نیشابوری که از ادبا و شاعران عهد سلجوقی و خوارزمشاهیان محسوب می‌شود، خود برخی اشعار پراکنده در کتابهایی چون المعجم شمس قیس رازی و لباب الالباب عوفی دارد، اما دیوانی از وی به جای نمانده است. اثر او رسائل العشاق از لحاظ مطالعات تاریخی، اجتماعی و ادبی اثری ارجمند و مهم محسوب می‌شود. از این کتاب تنها یک نسخه شناسایی شده که به شماره ۳۰۰۵ در کتابخانه‌الأمالی ترکیه نگهداری می‌شود و تاریخ کتابت آن سال ۶۸۵ هجری است. این نسخه در سال ۱۳۹۹ شمسی به همت دکتر جواد بشری و توسط انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار به صورت نسخه برگردان به چاپ رسیده است. در این منبع ارجمند و نویافته، ابیات و اشعار بسیاری از شاعران کهن تا قرن ششم یعنی زمان مؤلف آمده که برخی از این اشعار در دو اوین شاعران دیوان دار و دیگر کتب ادبی یافت نمی‌شود و تازه یاب به حساب می‌آید. در این مقاله کوشیده‌ایم ابیات تازه یافته شاعران کهن در این منبع نوراً معرفی کنیم. این شاعران که در ادامه نامشان را می‌آوریم و سپس به اشعار تازه یافته‌شان می‌پردازیم، برخی دیوان دارند و از برخی دیگر جز اشعار پراکنده در دیگر متون ادبی باقی نمانده است. اسامی بعضی شاعرانی که در رسائل العشاق ابیات جدیدی از آنها آمده که در دیگر منابع یافت نمی‌شود و ما در این مقاله ذکر کرده‌ایم، به این صورت است: ۱. بالیث طبری (سده ۴)، ۲. بندار رازی (د. ۴۰۱ ق.)، ۳. عیاضی (زنده در ۴۶۷ یا ۴۶۸ ق.)، ۴. لامعی گرگانی (سده ۵)، ۵. ازرقی هروی (زنده در ۴۷۱ ق.)، ۶. فخرالدین اسعد گرگانی (سده ۵)، ۷. علی بن الحسن باخرزی (د. ۴۶۸ ق.)، ۸. لبیبی (د. پس از ۴۲۹ ق.) و ۹. خالد هروی (سده ۶).

## اشعار نویافته شاعران در رسائل العشاق

### ۱. بالیث طبری گرگانی (سده ۴ هجری):

از زندگانی او زیاد اطلاعاتی در دست نیست. در لباب الالباب عوفی، آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، یتیمه‌الدهر ثعالبی و تاریخ یمینی عبدالجبار عتبی درباره او اطلاعات اندکی آمده است. برخی او را از شعرای آل سبکتکین و برخی مداح قابوس بن وشمگیر دانسته‌اند. محمود مدبری در کتاب شاعران بی‌دیوان، ۵۹ بیت پراکنده او را جمع کرده است. (مدبری، ۱۳۷۰). از میان متون کهن [تا سال ۷۰۰ هجری] تنها دو بیت از او در ترجمان البلاغه رادویانی آمده است. (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۶۶۰ و ۶۹۶). در کتاب رسائل العشاق، برگ ۱۲۳ رو، یک بیت از اشعار او آمده که در منابع دیگر یافت نمی‌شود:

کرا لبان تو باید، شکر چه سود کند؟ به جای مهر تو، مهری دگر چه سود کند؟

(سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۲۴۵)

نام او در منابع به صورت‌های مختلفی چون ابواللیث، ابالیث، بالیث و ابولیت طبری، طبرستانی، جرجانی و گرگانی آمده است. سیفی از وی با عنوان «ملک الافاضل حکیم بالیث» یاد می‌کند که این القاب با توجه به عناوین دیگر شاعران در این کتاب، تنها از وجه احترام است و عنوان خاص یا جزو نام شاعر نیست.

## ۲. بندار رازی (د. ۴۰۱ هجری):

کمال الدین بندار رازی، شاعر شیعی سده چهار هجری ست. کهن‌ترین مأخذی که از وی نام برده، کتاب النقض عبدالجلیل قزوینی است. نوشته‌اند بندار در خدمت آل بویه بوده است و شهرت او به قدری بود که خاقانی شروانی (خاقانی، ۱۳۹۳: ۷۹۶-۷۹۷) و ظهیرالدین فارابی (ظهیر، ۱۳۸۱: ۱۷۰) دو شاعر شهیر فارسی زبان از وی در اشعار خود یاد کرده‌اند. دیوانش بر اساس گفته حمدالله مستوفی در تاریخ‌گزیده، تا قرن هشتم هجری ظاهراً موجود بوده است. در کتاب شاعران بی‌دیوان ۸۰ بیت از او گردآوری شده (مدبری، ۱۳۷۰: ۳۶۶-۳۷۴) و در متون کهن [تا سال ۷۰۰ هجری] نیز ۸ بیت از او در کتابهای النقض، المعجم، کشف الاسرار و قرة العین آمده است. (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۵)

در رسائل العشاق سیفی نیشابوری، یک بیت به لهجه رازی از بندار آمده است:

نازش بکشم که دیم نیکویه وانگشست نمای نیکوان او یه

(سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۶۷)

## ۳. عیاضی (زنده در ۴۶۷ یا ۴۶۸ هجری):

عبدالرحیم یا عبدالرحمان عیاضی سرخسی، از شاعران نیمه دوم قرن پنجم و مدّاح سلاطین سلاجقه بوده است. سیفی نیشابوری در کتاب خود یک جا از او با عنوان «حکیم عیاضی» یاد می‌کند که به احتمال زیاد عنوانی ست برای احترام به او. عیاضی در مدح طغرل، آلبر ارسلان، ملک‌شاه و طغان‌شاه شعر سروده‌هایی دارد. از مرثیه‌اش در مرگ علی بن حسن باخرزی (۴۶۷ یا ۴۶۸ ق) - شاعر هم‌عصر او - میتوان فهمید که تا آن تاریخ زنده بوده است. در کتاب شاعران بی‌دیوان، محمود مدبری از او ۴۲ بیت شامل ۶ قطعه، یک قصیده، دو رباعی و یک مفرد گردآورده است. (مدبری، ۱۳۷۰) در متون کهن [تا سال ۷۰۰ هجری] تنها یک بیت از او در کتاب لغت فرس، چاپ پاول هرن یافت می‌شود. (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۱۳۶۵) در نزهة المجالس جمال خلیل شروانی، یک رباعی از او آمده که در رسائل العشاق نیز تکرار شده است. (جمال شروانی، ۱۳۷۵: ۵۱۵) در نزهة المجالس، یک کلمه مصراع آخر رباعی جا افتاده که مصحح حدس زده آن کلمه «تتا» باشد، اما صورت درست آن در رسائل العشاق آمده است: «همی». (سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۲۴)

باری، اشعار تازه‌یاب عیاضی در رسائل العشاق، شامل سه قطعه و یک رباعی به شرح زیر است:

شیرین زبان و تلخ جوابست یار من  
تلخم دهد جواب و خوش آید مرا به گوش

گفتار او ز تلخ و ز شیرین نشان دهد  
آری! جواب تلخ به شیرین زبان دهد

(همان: ۵۷)

آیا گُشده که من ضربت تُرا سپرم  
گرت به ریختن خون من هواست، بریز

بُکش مرا و بیفکن به خاک و برسپرم  
چه خون توریزی، چه دیده ریزد از جگرم

(همان: ۷۶)

با کم از خویش—تن مباش قرین  
مُشک با خاک چون برآمیزی

تا تو زو کم نگ—ردی، او ز تو بیش  
داده باشد به خاک قیمت خویش

(همان: ۲۳۳)

وصل تو فزون شد و فراق تو بکاست  
میهری که تُرا ز عاشق اندر دل خاست

ش—د کار کژرهی، به دیدار تورا ست  
عاشق به دعای شب نیارستی خواست

(همان: ۱۵۹)

#### ۴. لامعی گرگانی (سده ۵ هجری):

ابوالحسن بن محمد بن اسماعیل مشهور به لامعی گرگانی از سراینندگان قرن پنجم هجری و مداح سلجوقیان بوده که اشعاری از وی در مدح عمید الملک کندی [وزیر طغرل سلجوقی]، خواجه نظام الملک طوسی، آلب ارسلان و... برجای مانده است. (لامعی گرگانی، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۳ پیشگفتار) دیوان لامعی یک بار به کوشش سعید نفیسی (همو، ۱۳۱۹)، بار دیگر به همت سید محمد دبیرسیاقی (همو، ۱۳۵۳) و برای آخرین بار به کوشش محمد درزی [پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان] (همو، ۱۳۹۱) تدوین شده است. مقاله ای هم با عنوان «ابیات نویافته از لامعی گرگانی» توسط محمد منصور و اسماعیل شמושکی نوشته شده (۱۳۹۴) که حاوی ۵۲ بیت نویافته اوست. در متون کهن [تا سال ۷۰۰] نیز تنها پنج بیت از او در کتابهای المعجم [۵ بیت] و لغت فرس [چاپ مجتبابی و صادقی، یک بیت] آمده است. (صفری آق قلعه، ۱۳۹۵؛ لازم به ذکر است یک بیت لامعی که در کتاب وارد شده از فهرست اعلام جا افتاده است.)

در رسائل العشاق سیفی نیشابوری نیز یک بیت تازه از لامعی دیده می شود:

گردان شود هر آینه از آب چشم من  
گر روزگار بر رخ من آس—یا نهد

(سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۲۶)

این بیت به تصریح سیفی، از غزلی بر جای مانده است.

### ۵. ازرقی هروی (زنده در ۴۷۱ هجری):

ابوبکر جعفر بن اسمعیل وزّاق هروی، مشهور به ازرقی هروی، شاعر مشهور قرن پنجم و مداح طغانشاه سلجوقی است. دیوان او تا به حال سه بار تصحیح و چاپ شده است: اول به همت سعید نفیسی (ازرقی هروی، ۱۳۳۶)، بار دیگر به تصحیح علی عبدالرسولی (همو، ۱۳۳۶) و آخرین بار به تصحیح مسعود راستی پورو محمد تقی خلوصی (همو، ۱۳۹۸). در کتاب رسائل العشاق و وسائل المشتاق، دوربای نویافته از ازرقی دیده می شود که علی رغم کوشش مصححان آخرین چاپ دیوان، از دسترس ایشان دور مانده است.

دوربای تازه ازرقی، این هاست:

ای آمده و به وعده باز آمده راست

شُکر تو به صد زبان کجا دانم گفت؟

(سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۱۳۱)

ای عادت تو بـــــه وعده صادق بودن

بر موجب این دو خوی نیکو که تُراست

(همانجا)

نکته جالب در این رباعی ها - که در برخی رباعیات دیگر رسائل العشاق نیز دیده می شود - سه قافیه ای بودن آنهاست که نظریه چهار قافیه ای بودن رباعیات سده های نخست و متأخر بودن رباعیات سه قافیه ای را تضعیف می کند.\*

رباعی دوم علاوه بر ازرقی در دو منبع به نام دو شاعر وارد شده است: یکی انوری در دستنویس کهن مجموعه دواوین چستربیتی که در ۶۹۹ هـ کتابت شده (میرافضلی، ۱۳۹۴: ۱۹۰) و دیگری با اندک تغییر علی بن حسن باخرزی در نزهة المجالس که در ۷۴۱ هـ کتابت شده است (جمال شروانی، ۱۳۷۵: ۴۲۴). با توجه به قدمت نسخه ی رسائل العشاق باید رباعی را به حساب ازرقی هروی گذاشت.

\*از مسعود راستی پور، مصحح دیوان ازرقی بابت اشاره به این نکته سپاسگزارم.

### ۶. فخرالدین اسعد گرگانی (زنده در ۴۴۶ هجری):

فخرالدین اسعد گرگانی از مشهورترین شاعران قرن پنجم و معاصر طغرل بک سلجوقی است که منظومه ویس و رامین او از بهترین منظومه های عاشقانه پارسی محسوب می شود. فخرگرگانی

منظومه خود را بین سالهای ۴۳۲ تا ۴۴۶ هجری به نظم کشیده و معلوم می‌شود تا این تاریخ زنده بوده است. (فخرگرگانی، ۱۳۹۵: ۷) از او جز این منظومه، دیوانی برجای نمانده، لذا اشعار پراکنده او در کتب ادبی ارزش فراوان دارد. تنها از وی یک قطعه پنج بیتی هجویه در لباب الالباب عوفی (عوفی، ۱۳۸۹: ۵۸۹) و دو رباعی در نزهة المجالس (جمال شروانی، ۱۳۷۵: ۲۳۷ و ۵۴) تاکنون یافت شده، در متون کهن [تا سال ۷۰۰] نیز تنها سه بیت از ویس و رامین او در کتاب سمک عیار آمده است. (صفری آق قلعه، ۱۳۹۵) در شاعران بی‌دیوان مدبری نیز از او همان هجویه، یک غزل و دو رباعی نقل شده است. (مدبری، ۱۳۷۰: ۵۳۱)

از فخرالدین گرگانی در کتاب رسائل العشاق اشعار بسیاری وارد شده که اکثر قریب به اتفاق آنها از منظومه ویس و رامین اوست، اما یک قطعه، یک غزل و یک رباعی از او نیز در این کتاب آمده که تازه یافته و بسیار مغتنم است:

دل آن ترک نه اندر خور سیمین بر اوست      سخن او نه ز جنس لب چون شکر اوست  
به لب شیرین با من سخنان گوید تلخ      سخن تلخ نداند که نه اندر خور اوست  
(سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۵۸)

تو را گرچو من دوست داری نباید      مرا نیز همچو من تو [بی] کم نباید  
جدایی همی جویدی از من ولیکن      تو را گر بشناید، مرا نیز شاید  
چرا مهربانی نمایم کسی را      که پیوسته نامهربانی نماید  
دل آن را دهم که به دل دادن من      برافروزد و و شادکامی فزاید  
چو دل دادم آنکه سوی دل گرایم      تن آنجا گراید که گراید

(همو: ۱۷۳)

دو شعر بالا که نقل کردیم، عیناً در دیوان فرخی سیستانی (فرخی سیستانی، ۱۳۹۳: ۲۸ و ۴۳۵) چاپ محمد دبیرسیاقی دیده می‌شود. دو بیت نخست در دیوان فرخی، آغاز یک قصیده در مدح «خواجه ابوبکر حصیری» است. از آنجا که نسخه‌های دیوان فرخی همگی متأخر و فروتر از قرن دهم هجری هستند (براتی و جلیلیان، ۱۳۹۷: ۱۹)، ارجحیت با منبع نویافته ماست و این اشعار را باید به حساب فخری گرگانی گذاشت. البته احتمال بسیار ضعیفی هم وجود دارد که کاتب نام فرخی را به اشتباه فخری نوشته باشد.

اما یک رباعی که در رسائل العشاق به نام فخری آمده و در هیچ منبع دیگری یافت نمی‌شود:

مسکین دل من تو را نه زان می‌پرورد      تا از تو نباشدش به جز محنت و درد

چون دل ز وفای من همی‌کردی فرد      باری چو منی به دست بایست آورد  
(سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۱۷۴)

### ۷. علی بن الحسن باخرزی (د. ۴۶۸ هجری):

ابوالحسن علی بن حسن بن علی بن ابی‌طیب باخرزی، از رجال دربار سلجوقیان و از شاعران و نویسندگان معروف قرن ۵ است. باخرزی مؤلف کتاب «دمیة القصر» در نثر عربی است که مانند ذیلی بریتیمه الدهر تعالی به شمار می‌رود و شرح احوال شاعران تازی‌گوی معاصر اوست. (مدبری، ۱۳۷۰: ۵۵۴) از این شاعر در نزهة المجالس چهار رباعی (جمال شروانی، ۱۳۷۵: ۱۱۳) و در شاعران بی‌دیوان مدبری ۵ بیت شامل یازده رباعی، یک قصیده، یک غزل، یک دوبیتی و دو مفرد (مدبری، ۱۳۷۰: ۵۵۴-۵۵۷) آمده و جالب آنکه در متون کهن [تا سال ۷۰۰ هجری هیچ شعری از او نیامده است.

در کتاب رسائل العشاق، ۱۱ رباعی و یک قطعه دوبیتی آمده است که نویافته محسوب می‌شوند و مغتنم هستند:

نادیده هنوز رویت ای چشمه نوش      بستند صفت جمالت از من دل و هوش  
جانا صفتت چنان خوش آمد در گوش      یارب که عیانت چون بود در آغوش  
(سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۲۸)

گر چهره ز عشق زرد خواهی، دارم      و ردم ز فراق، ســـــرد خواهی، دارم  
وز هر چه به من نگاه خواهی کردن      چندانک نشـــــان درد خواهی، دارم  
(همو: ۴۷)

خون گرید دشمنم چو پرسد خبرم      گر باز دهم ســـــر که چه آمد به سرم  
هر چند ز درد دل چو خون شد جگرم      بنشـــــسته در انتظارِ دردی دگرم  
(همو: ۴۹)

از من صنما قرار مســـــتان آخر      مشـــــکن به جفا و جور، پیمان آخر  
ور نامه من همـــــی نیرزد به جواب      ای بی‌معنی! بیـــــن و برخوان آخر!  
(همو: ۵۵)

جانا به رســـــول بر تو دادم سوگند      کز پای رســـــول خویش برداری بند



(همانجا)

تا چند کشم — عنا و نمایم پشت  
تا کی ز تو سرکش — ی و گفتار درشت  
نایافته بر تو دست — دردا که فلک  
آورد مرا خیره در پای تو کش —

(همو: ۶۴)

من کی ام کاندیشه تو هم نفس باشد مرا  
یا تمنای وصال چون تو کس باشد مرا  
گر بود شایسته غم خوردن تو جان من  
این نصیب از دولت عشق تو بس باشد مرا

(همو: ۸۰)

دشمن به هزار نوحه بر من بگریست  
کین دلشده با این همه نتواند زیست  
آگاه ز درد من نمی دانم کیست —  
من دانم و من که بر من از هجران چيست!

(همو: ۸۸)

در جستن تو، رهیت بی خویشتن است  
و این درد دل رهی نه در خوردن است  
گیرم که فراق تو یکی دم زدن است  
این صبر نه کار مستمندی چون است

(همو: ۹۷)

گر دوش نیام — دی خیالت بر من  
پر خون گشتی ز فرقت، بستر من  
احسنت زهی خیال! کآخر تو کینی  
هر یک چندی، شاد، دل غم خور من!

(همو: ۱۰۴)

ای دل چو ب — آورد ز تو، چرخ، دمار  
صدگونه ز غم نه — اد بر جان تو بار  
چندین خود را بس — تته تیمار مدار  
کین عشق نه کار توست با این سرو کار

(همو: ۱۰۹)

شکری که مرا ز وصل بودی دمساز  
نگزاردم از تکبر و ش — ادی و ناز  
تا وصل، فراق آمد و ش — د ناز، نیاز  
چون عافیت از بلا ندانستم باز

(همو: ۱۱۱)

هم چنین در برگ ۲۹ روز دستنویس رسائل العشاق، نام علی بن الحسن آمده، اما به دلیل اسقاط اوراقی از ادامه‌ی دستنویس، بیت او جا افتاده است و در دسترس نیست. (همو، ۵۷)

## ۸. لبیبی (د. پس از ۴۲۹ هجری):

سیدالشعراء استاد لبیبی از قصیده‌سرایان مشهور قرن پنجم هجری است که ابتدا مداح ابوالمظفر چغانی بود و سپس به دربار محمود و مسعود غزنوی راه یافت. از مرثیه‌ای که برای مرگ فرخی سیستانی (د. ۴۲۹ ق) سروده مشخص می‌شود که تا سال مرگ او زنده بوده است. (دبیرسیاقی، ۱۳۳۲: ۴) از لبیبی در کتاب شاعران بی‌دیوان مدبری ۱۹۵ بیت (مدبری، ۱۳۷۰) و در منابع کهن [تا سال ۷۰۰] ۸۵ بیت در کتابهای لغت فرس (دو چاپ هنر و مجتبابی-صادقی)، ترجمان البلاغه و تاریخ بیهقی\* آمده است (صفری آق قلعه، ۱۳۹۵)؛ همچنین از او در نزهة المجالس هیچ رباعی دیده نمی‌شود. استاد محمد دبیرسیاقی اشعار پراکنده لبیبی را به همراه زندگی‌نامه وی فراهم آورده و به چاپ رسانیده‌اند. (دبیرسیاقی، ۱۳۳۲)

در رسائل العشاق، یک قطعه دوییتی از لبیبی آمده که نویافته محسوب می‌شود:

گر ز بدگوی، تو ســــخن شنوی      بر تو تهمت نهــــم ز روی خرد  
گر بدان بــــد، نبودئی راضی      پیشــــت، او مر مرا نگفتی بد

(سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۲۲۶)

\* همانطور که صفری آق قلعه گفته در نسخه بدل کتاب، شعر به نام لیثی آمده اما لبیبی شاعر این قطعه است.

## ۹. فخر خالدهروی (سده ۶ هجری):

نامش امیر فخرالدین خالد بن ربیع هروی و از رجال و شاعران خراسان در نیمه اول قرن ششم هجری بود. وی با انوری مکاتبه و مشاعره داشت و انوری او را مدح گفته است. سمعانی در منتخب «مشیخه» و عوفی در «لباب الالباب» از او یاد کرده و نظم و نثرش را ستوده‌اند. (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۳۵۸) عوفی مقداری از قصاید و غزلیات او را نقل کرده است. سمعانی نیز نوشته که شعر فخر خالده در فارسی و تازی خوب و طبعش در قطعه و رباعی رقیق بود. (همانجا؛ میرافضلی، ۱۴۰۰: ۳۸۶) در نزهة المجالس خلیل شروانی یازده رباعی بنام او آمده که برخی به خیام منسوب شده‌اند. (همانجا؛ جمال شروانی، ۱۳۷۵)

در رسائل العشاق سیفی نیشابوری، برگ ۱۱۹ رو، یک بیت از اشعار او نقل شده که نواست:

فراقا! کم کن ایــــن بیداد، کآخر      جهان تا جــــاودان چونین نماند

(سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۲۳۷)

## منابع:

### الف) کتاب

۱. ازرقی هروی، ابوبکر بن اسماعیل. (۱۳۹۸). دیوان اشعار، تصحیح مسعود راستی پور و محمد تقی خلوصی، چاپ اول، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲. خاقانی شروانی، بدیل بن علی. (۱۳۹۳). دیوان اشعار، تصحیح ضیاءالدین سجادی، چاپ یازدهم، تهران: زوار.
۳. دبیرسیاقی، محمد. (۱۳۳۲). لیبیبی و اشعار او، تهران: بی جا.
۴. سیفی نیشابوری، مسعود بن احمد. (۱۳۹۹). رسائل العشاق و وسائل المشتاق، نسخه برگردان دستنویس شماره ۳۰۰۵ کتابخانه آلمالی ترکیه، به کوشش جواد بشری، چاپ اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن.
۵. شروانی، جمال خلیل. (۱۳۷۵). نزهة المجالس، تصحیح محمد امین ریاحی، چاپ دوم، تهران: علمی.
۶. صفری آق قلعه، علی. (۱۳۹۵). اشعار فارسی پراکنده در متون تا سال ۷۰۰ هجری، دو جلد، چاپ، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن.
۷. فاریابی، ظهیرالدین. (۱۳۸۱). دیوان اشعار، تصحیح امیرحسین یزدگردی، به اهتمام اصغر دادبه، چاپ اول، تهران: قطره.
۸. فرخی سیستانی، علی بن جولوغ. (۱۳۹۳). دیوان اشعار، تصحیح محمد دبیرسیاقی، چاپ، تهران: زوار.
۹. فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۸۰). سخن و سخنوران، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۱۰. گرگانی، فخرالدین اسعد. (۱۳۹۵). ویس و رامین، تصحیح محمد روشن، چاپ ششم، تهران: صدای معاصر.
۱۱. لامعی گرگانی، ابوالحسن بن محمد. (۱۳۹۴). دیوان اشعار، تصحیح محمد دبیرسیاقی، چاپ دوم، تهران: تیسرا.
۱۲. مدبری، محمود. (۱۳۷۰). شاعران بی دیوان، چاپ اول، تهران: پانوس.
۱۳. میرافضلی، علی. (۱۳۹۴). جنگ رباعی، چاپ اول، تهران: سخن.

۱۴. \_\_\_\_ (۱۴۰۰). رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی، چاپ دوم، تهران: سخن.

### ب) مقاله

۱. براتی، محمود. (۱۳۹۷). «ضرورت تصحیح دوباره‌ی دیوان فرخی سیستانی»، با همکاری بهرام جلیلیان، فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، سال پنجاه و چهارم، دوره‌ی جدید، سال دهم، شماره‌ی اول (پیاپی ۳۷)، بهار: صص ۱۷-۲۹
۲. منصور، محمد. (۱۳۹۴). «ابیات نویافته از لامعی گرگانی»، با همکاری اسماعیل شמושکی، مجله‌ی ادب فارسی، سال پنجم، شماره‌ی دوم، شماره پیاپی ۱۶، پاییز و زمستان: صص ۳۹-۵۶

